

کوردستان

ارگان حزب دمکرات کوردستان ایران

تأمین حقوق ملی خلق کره در چهارچوب ایرانی دمکراتیک و فدرال

حزب دمکرات کوردستان ایران منافع ملی را فراتر از همه منافع می داند

۲

اطلاعیه ارگان تشکیلات کل حزب دموکرات در خارج از کشور

۲

پیشمرگه ضامن خاک کوردستان است

۳

www.kurdistanmedia.com

شماره ۷۶۰ سه شنبه ۳۰ مهر ۱۳۹۸، ۲۲ اکتبر ۲۰۱۹



ضعیف ترین عملکرد اقتصادی



ریشه‌های روانشناختی دموکراسی



رونیای اروپایی شدن خاورمیانه



روژناوا و معادلات امنیتی حاشیه آن

لله

کوهها تنها دوست ما نیستند کریم پرویزی

هراس جماران

صدها سال است که وطن کوردها در برابر تهدید و هجوم است و در تاریخ این منطقه، صدها و هزاران مرتبه، هجوم قبیله و عشیرت و مهاجران و امپراطوری‌ها به خاک کوردستان را به ثبت رسیده است و صدها تراژدی و حماسه خلق کرده‌اند.

در این چندین صده، هرگاه دشمنان کورد و اشغالگران به کوردستان یورش آورده‌اند، اگر کورد یارای مقابله با لشکر صدها هزاری جنایتکاران را نداشت، به دره و کوه‌های سرکش کوردستان پناه برده است و کوهها به پناهگاه و مامن کورد مبدل گشته تا آنها را از تراژدی‌ها محفوظ نگه دارد.

لشکر اشغالگران نیز که از راه زمینی یورش آورده‌اند، در دره و کوهها توانایی یورش را از دست داده و مجبور شده که دست از سر کورد برداشته و به جایی دیگر بروند، بدین شیوه کوه در تاریخ چندین صده و هزاره کوردستان به تنها دوست کورد مبدل گشته است.

اما اینک چندین موضوع مهم تغییر به خود دیده‌اند و پناهگاه کورد از شرایط قبلی خود خارج شده است.

تغییر مهم اینست که تکنولوژی جنگ دشمن بسیار تغییر کرده و اینک بدون احتیاج به زمین و نیروی پیاده، از طریق ماهواره و پهباد و نیروی آسمانی تا عمق دره‌ها و سخت‌ترین قلعه‌ها و صخره‌ها هجوم می‌برند و دیگر کوه به آن سادگی قبل نمی‌تواند پناهگاه کورد باشد، که این شرایط را به سمت تغییرات در آینده سوق می‌دهد.

ضمن همه زبان و خسارت‌های این تکنولوژی نوین جنگی، این نتیجه را برای کورد دارد که کورد مجبور است که مبارزات خویش را تنها گره خورده به کوه نپندارد و دروازه‌ای تازه باز کرده تا اینکه «شار» به پناهگاه مبدل شود و به معنای دیگر «شاخ» دیگر به تنهایی جوابگو نیست و «شار» به دوست اساسی دیگر کورد مبدل می‌گردد.

فاکتور مهم دیگر این تغییرات در



کوردستان این حساس و خشمگین است و توانایی دیدن سروری و عظمت این ملت با چشمان خود را ندارد.

در حقیقت نیز شاهد بودیم که همه سعی خود را نمود تا جهت حقیقی تجمعات و اعتراضات خودجوش مردم را با گفتن شعارهایی مانند «مرگ بر آمریکا» تغییر دهد، اما این حيله نیز خیلی زود برای مردم آشکار گشت و متعرضین فریاد "زنده باد کوردستان، زنده باد پیشمرگه، روژناوا، روژهلات است، کوردستان یک کشور است" را سر دادند؛ در آخر نیز دیدیم که فعالان و سازمان‌دهندگان این تجمعات از سوی ارگان‌های سرکوبگر رژیم ایران بازداشت شده و با محاکمه و شکنجه روبرو شدند.

همچنین در روزهای بعد، رژیم ترس و نگرانی خود در برابر ماندن ترکیه در سوریه را نشان داد و از این می‌ترسد که دستاوردهای خود در سوریه را از دست بدهد، دوباره در سوریه باخت دیگری نصیب رژیم اسلامی ایران شود.

چهارگوشه جهان است که بدون در نظر گرفتن مرزهای ساختگی و تنها از روی احساس میهن‌دوستی و درک نمودن اهمیت شرایط پیش آمده، به خیابان آمده و با هر شرایطی که برایشان مهیا شد، حمایت خود را از خواهر و برادرهای خویش را اعلام داشتند؛ در روزهای گذشته همه اقشار کوردستان ایران، زنان، جوانان، دانشجویان، اساتید، ماموستاهای آیینی، ورزشکاران و در کل همه اقشار جامعه چه بعنوان سازمان‌دهی تجمعات و چه با شعار دادن و چه با انتشار بیانیه، وظیفه ملی میهنی خود را ادا نمودند.

در این بین نباید این را فراموش کرد که جمهوری اسلامی ایران بعنوان اصلی‌ترین دشمن ملت کورد در هر چهار بخش کوردستان، همه توان خویش را بکار برد تا کینه قدیمی خود علیه ترکیه را نشان دهد و از سوی دیگر؛ چنان نشان دهد که حامی کورد است و این رفتار ترکیه را به کاری غیر انسانی می‌بیند، درحالی که بر کس پوشیده نیست که جمهوری اسلامی به نسبت همه درخواست‌های کورد بویژه در

انتقاد از سیاست دونالد ترامپ، یورش دولت ترکیه را محکوم کردند و حمایت همه جانبه خود از کوردستان سوریه را اعلام کردند. سازمان ملل متحد در همان ساعات ابتدایی شروع جنگ بین ترکیه و کوردها اعلام کرد که پیشبینی می‌شود که بدلیل این جنگ، حداقل ۱۶۰ هزار کس آواره گردند؛ تاکنون آمار دقیقی درباره خسارت دیده‌های این جنگ منتشر نشده است، اما منابع محلی می‌گویند که تاکنون چندین هزار نفر که اکثر آنان بدلیل بمباران ترکیه زخمی یا کشته شده‌اند، که بخش اعظم آن مردم مدنی و غیرنظامی و بی‌دفاع این مناطق هستند. بعداز چند روز از حملات و در تاریخ بیست و پنجم مهرماه، ترامپ دوباره روی خط آمده و از راه هیئت مذاکره کننده در ترکیه فاش ساخت که آتش بسی چند روزه بین دو طرف جنگ منعقد شده است، به شرطی که نیروهای کورد سوریه باید تا عمق ۳۰ کیلومتر از مرزها عقب‌نشینی کنند تا اینکه «منطقه امن» تاسیس شود. چیزی که در این بین اهمیت دارد، موضع میهن‌پرستانه ملت کورد در

پذیرفته است؛ حتی تصمیم نامبرده را بعنوان "خیانت به ملت کورد" نامزد کردند. کونگرس آمریکا با ۳۵۴ رای "مثبت" در برابر ۶۰ رای "منفی"، مخالفت خود را با عقب‌نشینی نیروهای آمریکا از سوریه را اعلام کردند و درخواست کردند که دونالد ترامپ از تصمیم خود منصرف شود و با حفظ نیروهای آمریکایی، سلامت جانی و سیاسی کوردها که هم پیمان آمریکا در جنگ علیه داعش بودند را گارانتی کند. کورد در سوریه در چندین سال گذشته، همراه با نیروهای هم پیمان به سرپرستی آمریکا در جنگ علیه خونخوارترین دشمن انسانیت جنگ نمودند و ضمن شکست دادن آن، هزینه‌ای گزاف بالغ بر ۱۰ تا ۱۱ هزار شهید تقدیم کردند، اما اینک خود را ناگهان در برابر دومین نیروی نظامی ناتو می‌بینند. اعتراضات تنها دولت و سیاستمداران را شامل نشد و اکثر خیابان‌های کوردستان، بویژه در کوردستان ایران و همچنین خیابان‌های اکثر شهرهای اروپایی شاهد تجمعات اعتراضی کوردهای ساکن این کشورها بود که ضمن

بعد از عقب‌نشینی نیروهای آمریکا از مناطق مرزی ترکیه و سوریه، دولت رجب طیب اردوغان به شیوه‌ای گسترده به کوردستان سوریه یورش برد؛ این حملات در سطح بین‌المللی بازتاب و عکس‌العمل‌های گسترده‌ای داشت و برخلاف انتظارات ترکیه که بعنوان دومین نیروی نظامی عضو ناتو به حساب می‌آید؛ افکار عمومی جهان، از کوردستان سوریه حمایت کرد. که تنها چند روز بعد از حملات ترکیه به کوردستان سوریه، نیروهای کوردی با هدف جلوگیری از پیشروی‌های ترکیه، با میانجی‌گری روسیه، با دولت مرکزی سوریه توافق‌نامه‌ای امضا کرد با استناد به این توافق‌نامه، نیروهای نظامی بشار اسد به مرزها بازگشتند. همانگونه که اشاره شد، هجوم ارتش ترکیه به کوردهای سوریه، در سطح جهانی با مخالفت همراه شد، اتحادیه اروپا، اتحادیه عرب و در آخر کونگرس آمریکا، این حملات را محکوم کرد و حتی به دونالد ترامپ انتقادات شدیدی وارد شد و اعلام کردند که به دلیل تصمیم وی این یورش صورت

حزب دمکرات: کوردستان ایران منافع ملی را فراتر از همه منافع می‌داند

نشست مشترک شورای سیاستگذاری و شورای اجرایی حزب دمکرات کوردستان ایران برگزار شد و در این نشست مشترک، در مورد وضعیت کلی کوردستان گفتگو شد. بیست و چهارم مهرماه ۱۳۹۸ خورشیدی، نشست شورای سیاستگذاری و شورای اجرایی، منتخب کنگره شانزدهم حزب دمکرات، برگزار شد. ابتدای نشست با یک دقیقه سکوت به احترام روح پاک شهیدان کورد و کوردستان، بوشیدان اخیر کوردستان سوریه، آغاز شد. سپس، مسئول اجرایی حزب دمکرات در گزارش مفصل سیاسی، وضعیت کنونی کوردستان و منطقه را تشریح کردند. موضوع اصلی مبحث مسئول اجرایی حزب دمکرات، شرایط کنونی کوردستان سوریه و دیدگاه و سیاست حزب دمکرات کوردستان ایران در برابر موضوعات ملی و میهنی بود. "مصطفی هجری"، با در نظر گرفتن تغییرات منطقه و تغییر بالانس قدرت، مسئله کورد در سوریه و نقش اصلی نیروهای کوردستان سوریه در بطن این تغییرات را با دقت تشریح نمود. در این مبحث، مقاومت و دلوری نیروهای کوردستان در برابر اشغالگران و حملات آنان را گرانها شمرد، اما با تاکید بر اتحاد احزاب و جریان‌های سیاسی کوردستان سوریه، اتحاد احزاب و جریان‌های سیاسی در این بخش از کوردستان را ضامن دستیابی حقوق ملی کورد برشمرد. این اتحاد چه در مبارزات و مقاومت و چه در آینده جریان سیاسی به گونه‌ای پیش برود؛ که با توافق نیروهای منطقه‌ای و جهانی، قانون اساسی جدید برای سوریه پی ریزی شود. حزب دمکرات بر اصل پرنسیپ استقلال سیاسی تصمیم گیری موکد است و آن را اساس تصمیم گیری صحیح و تامین حقوق ملی کورد در هر بخشی از کوردستان می‌داند و در این مورد سال‌های مدیدی است که حزب دمکرات تلاش‌های وافری انجام داده و بهای آن را نیز پرداخت کرده است و سعی بر آن داشته که احزاب دیگر نیز به این روش سیاست خود را پی ریزی کنند و به اداره بخش‌های دیگر و احزاب دیگر کوردستان احترام بگذارند. بر همین اساس، پیشتر نیز تقاضا کرده بود که احزاب کورد در سوریه، خود تصمیم گیری کنند و تحت تاثیر تصمیمات دیگری قرار نگیرند، هم اینک نیز به تصمیم و رفتار آنان در قبال پروسه سوریه و کوردستان سوریه احترام گذاشته و آن را حق احزاب سیاسی این بخش از میهن می‌داند. در ادامه بحث، مسئول اجرایی حزب دمکرات، اتحاد جهانی، بویژه نظر کلی آمریکا و اروپایی‌ها و منطقه را در حمایت از ملت کورد در کوردستان سوریه را موثر بر شمارد و این فرصت را نیز به مجالی برای رساندن صدای ملت کورد در همه بخش‌های کوردستان و دروازه‌ای برای دیپلوماسی کورد و بویژه دیپلوماسی کلی کوردستان در سطح جهانی دانست. "هجری" در گزارش خویش، اعتراضات مردم در کوردستان ایران و به اعتراضات مردم به صورت متحد و به شکلی گسترده و در سطح همه شهرهای کوردستان را بطور مفصل تشریح کرد و اعلام کرد که این حرکت نشان داد که کوردستان ایران به سطح بالای آگاهی ملی رسیده و منافع والای

حزب دمکرات: در برابر خاک و ملت کوردستان احساس مسئولیت می‌کنیم



ملی را فراتر از همه منفعت‌ها می‌داند، این نیز از جمهوری کوردستان به ارث رسیده است که مکان و پناهگاهی برای همه آزادیخواهان و کوردهای میهن دوست بود. مسئول اجرایی با دقت نقش جمهوری اسلامی در وضعیت کنونی سوریه و وقایع آن را توضیح داد و اعلام کرد که در صورتی که نقشه رژیم ترکیه برای اسکان دادن آواره‌های سوریه در مناطق کوردنشین به موفقیت بیانجامد، هر دو طرف، یعنی "ایران و ترکیه"، از تغییر یافت جمعیتی کوردستان سوریه و نبود حکومت کوردی در منطقه خشنود می‌گردند. اما چیزی که برای ایران شکست بزرگ سیاسی است؛ اینست که ضمن صرف دهها میلیارد دلار از درآمد کشور و مردم ستمدیده کشورش در سوریه و کشته شدن صدها تن از فرماندهان و سربازان خویش، اینک روسیه و ترکیه قدرت و نفوذ خود در منطقه را فزونی داده‌اند و نقش تعیین کننده در جریان وقایع دارند. در پایان بحث، مسئول اجرایی حزب اعلام کرد: "آزمون حمله و قتل‌عام کوردها از سوی کشورهایی که کوردستان را اشغال کرده‌اند و حقوق کورد را پایمال کرده‌اند، به اثبات رسانده است که اشغالگران کوردستان نمی‌توانند با ادامه دادن به این سیاست، کوردها را برای درخواست حقوق روا و شرعی خود ساکت و به زانو درآورند." حصار در این نشست، ضمن تایید راپورت مسئول اجرایی حزب دمکرات، پیشنهادهای خود را ارائه دادند. این نشست عصر روز چهارشنبه ۲۴ مهر ۱۳۹۸ به کار خود پایان داد.

حزب دمکرات بر اصل پرنسیپ استقلال سیاسی تصمیم گیری موکد است و آن را اساس تصمیم گیری صحیح و تامین حقوق ملی کورد در هر بخشی از کوردستان می‌داند و در این مورد سال‌های مدیدی است که حزب دمکرات تلاش‌های وافری انجام داده و بهای آن را نیز پرداخت کرده است و سعی بر آن داشته که احزاب دیگر نیز به این روش سیاست خود را پی ریزی کنند و به اداره بخش‌های دیگر و احزاب دیگر کوردستان احترام بگذارند. بر همین اساس، پیشتر نیز تقاضا کرده بود که احزاب کورد در سوریه، خود تصمیم گیری کنند و تحت تاثیر تصمیمات دیگری قرار نگیرند، هم اینک نیز به تصمیم و رفتار آنان در قبال پروسه سوریه و کوردستان سوریه احترام گذاشته و آن را حق احزاب سیاسی این بخش از میهن می‌داند. در ادامه بحث، مسئول اجرایی حزب دمکرات، اتحاد جهانی، بویژه نظر کلی آمریکا و اروپایی‌ها و منطقه را در حمایت از ملت کورد در کوردستان سوریه را موثر بر شمارد و این فرصت را نیز به مجالی برای رساندن صدای ملت کورد در همه بخش‌های کوردستان و دروازه‌ای برای دیپلوماسی کورد و بویژه دیپلوماسی کلی کوردستان در سطح جهانی دانست. "هجری" در گزارش خویش، اعتراضات مردم در کوردستان ایران و به اعتراضات مردم به صورت متحد و به شکلی گسترده و در سطح همه شهرهای کوردستان را بطور مفصل تشریح کرد و اعلام کرد که این حرکت نشان داد که کوردستان ایران به سطح بالای آگاهی ملی رسیده و منافع والای

حزب دمکرات بر اصل پرنسیپ استقلال سیاسی تصمیم گیری موکد است و آن را اساس تصمیم گیری صحیح و تامین حقوق ملی کورد در هر بخشی از کوردستان می‌داند و در این مورد سال‌های مدیدی است که حزب دمکرات تلاش‌های وافری انجام داده و بهای آن را نیز پرداخت کرده است و سعی بر آن داشته که احزاب دیگر نیز به این روش سیاست خود را پی ریزی کنند و به اداره بخش‌های دیگر و احزاب دیگر کوردستان احترام بگذارند. بر همین اساس، پیشتر نیز تقاضا کرده بود که احزاب کورد در سوریه، خود تصمیم گیری کنند و تحت تاثیر تصمیمات دیگری قرار نگیرند، هم اینک نیز به تصمیم و رفتار آنان در قبال پروسه سوریه و کوردستان سوریه احترام گذاشته و آن را حق احزاب سیاسی این بخش از میهن می‌داند. در ادامه بحث، مسئول اجرایی حزب دمکرات، اتحاد جهانی، بویژه نظر کلی آمریکا و اروپایی‌ها و منطقه را در حمایت از ملت کورد در کوردستان سوریه را موثر بر شمارد و این فرصت را نیز به مجالی برای رساندن صدای ملت کورد در همه بخش‌های کوردستان و دروازه‌ای برای دیپلوماسی کورد و بویژه دیپلوماسی کلی کوردستان در سطح جهانی دانست. "هجری" در گزارش خویش، اعتراضات مردم در کوردستان ایران و به اعتراضات مردم به صورت متحد و به شکلی گسترده و در سطح همه شهرهای کوردستان را بطور مفصل تشریح کرد و اعلام کرد که این حرکت نشان داد که کوردستان ایران به سطح بالای آگاهی ملی رسیده و منافع والای

نشست نمایندگان مرکز همکاری احزاب با نمایندگان کانتون‌های روژاوا

بخش کوردستان نسبت به حمله ترکیه و حمایت مردم کوردستان ایران از کوردستان سوریه، مورد بحث قرار گرفت. در این دیدار، نمایندگان کوردستان سوریه از موضع مردم کوردستان ایران و مرکز همکاری احزاب تقدیر کردند که بدون توجه به فشار رژیم اسلامی ایران، از همان لحظات اول هجوم ترکیه به خاک کوردستان سوریه، موضع و حمایت خود از کوردستان سوریه را اعلام داشتند. در این نشست، دو طرف به اتحاد و همکاری مابین نیروهای سیاسی کوردستان برای مقابله با دشمنان کوردستان تاکید ورزیدند و با حضور اصحاب رسانه، کنفرانس مطبوعاتی در این ارتباط برگزار کردند.



نمایندگان مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران و نمایندگان کانتون‌های کوردستان سوریه در سلیمانیه نشست برگزار کردند. چهارشنبه ۲۴ مهرماه، هیئتی از مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران، با هدف اعلام همدردی و حمایت مردم و احزاب حاضر

اطلاعیه ارگان تشکیلات کل حزب دمکرات در خارج از کشور

تلاش بوده است تا از راه شبکه‌های اجتماعی، به پرستیژ و سیمای حزب دمکرات خدشه وارد کند. نامبرده با تحریف و معرفی نادرست خود، همواره خود را جانشین فرماندهی "هملوکانی دیموکرات" معرفی کرده و در صدد بوده تا در لایه‌های ارگان تشکیلات نفوذ کند.



لذا از این تاریخ، افتخار عضویت در حزب دمکرات از نامبرده سلب می‌شود و هیچ ارتباطی با ارگان‌های آشکار و مخفی حزب ندارد.

ارگان تشکیلات کل حزب دمکرات در خارج از کشور، اطلاعیه‌ای خطاب به اعضا و هواداران حزب دمکرات کوردستان ایران منتشر کرد. متن اطلاعیه: خطاب به اعضای حزب، فعالین شبکه‌های اجتماعی و همه هواداران حزب دمکرات! به استحضار می‌رسانیم که فردی

حزب دمکرات کوردستان ایران تشکیلات کل خارج کشور ۱۹ اکتبر ۲۰۱۹

با هویت "رحیم حق پرست" و با اسم مستعار "کارو دمکرات"، ضمن اینکه هیچ مسئولیتی از سوی حزب به وی سپرده نشده است و برای هیچ کار تشکیلاتی مأمور نشده است، ضمن راهنمایی‌های تشکیلات خارج از کشور، به صورت مستمر به نقض اصول تشکیلاتی روی آورده است. نامبرده با سرپیچی و تحریف در

نشست مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران برگزار شد



ناوهدی هاوکاری حیزبه‌کانی کوردستانی نیران Cooperation Center of Iranian Kurdistan's Political Parties. مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران

نشست عالی هیئت‌های مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران برگزار شد. روز سه‌شنبه شانزدهم مهرماه، نشست هیئت‌های عالی مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران با شرکت مسئولان یکم هر چهار حزب مذکور، به سرپرستی "عبدالله مهتدی"، دبیرکل حزب کومله کوردستان ایران برگزار شد. در این نشست، درباره چندین مبحث و محور مهم سیاسی و مرتبط به منطقه و بویژه ایران گفتگو شد و ضمن تبادل نظر، حصار مواضع و نظرات خود را با همدیگر به اشتراک گذاشتند. محور اصلی این نشست، آخرین وقایع منطقه و ایران بود که با دقت، درباره آن مشورت و تبادل نظر صورت گرفت. توسعه کارهای مرکز همکاری و پروژه‌های مشترک، بخش دیگری از محتوای این نشست بود. در این بخش نیز حصار تبادل نظر

پیشمرگه ضامن خاک کوردستان است



ادامه سخن

وسایل و تکنولوژی‌های ارتباطی است، انقلابی در این مورد صورت گرفته است، باعث گشته که جنگ و درگیری در کوردستان دیگر بی صدا صورت نگیرد. اگر زمانی هجوم دشمنان دور دست مثل مغولها و قبایل دیگر با طی مسافت هزاران کیلومتر به خاک کوردستان صورت می‌پذیرفت و یا هجوم قبایل خونخوار نزدیک، مثل هخامنشی و در این اواخر نیز آتاتورک و صدام و خمینی و اسد، در کوردستان فاجعه خلق می‌کردند و به گوش کسی نمی‌رسید و یا چندین دهه طول می‌کشید تا به گوش مردم دیگر برسد که در خاورمیانه چه اتفاقی روی داده است؛ اینک با سرعت چند ثانیه، جنایتکاران رسوا شده و به گوش همه جهان می‌رسد. این و ترس جوامع جهانی از انتشار آدمکشان و خونخواران در همه جهان، شرایط را به سطح دیگری رسانده و دست دیگری برای کورد پیدا شده است که عبارتند از: افکار عمومی جاومع مختلف و ترس سیاستمداران از این افکار عمومی و ترس امنیتی مردم، چنان کرده که کورد می‌تواند بهتر از قبل دنبال دوست دیگری باشد. لذا، کورد و کوردستان دوست دیگری پیدا کرده است و باید به گسترده‌تر کردن کمربند استراتژی مبارزات میهنی بیاندیشد و حمایت دوستان گسترده‌تر و نیرومندتر شود، تنها کوهها را دوست خود ندانیم، زیرا ممکن است استراتژی جنگ دشمنان این باشد که در کوه محدودمان کرده و در همان جا نابودمان کنند. «شاخ و شار» و حمایت جهانی را به ستون‌های مبارزاتمان مبدل کنیم و با نیرو و اندیشه تازه، تاریخ را با دستان خویش بنگاریم.

شعری که سوی یکی از پیشمرگه‌های شار که برای مراسم اختتامیه این دوره ارسال شده بود از سوی "قادر صوفی قویتاسی" قرائت شد.

در پایان این مراسم، نتائری از سوی بانو "سروه" آماده شده بود و در معرض دید حضار اجرا شد.

از اعضای دوره قرائت شد. سپس، شعری تحت نام "هاوری" از سوی "همرمان"، آماده شده و برای حضار خوانده شد. در بخش دیگری از این مراسم، نقرات برتر از لحاظ نظم و دیسپلین و امتحانات سیاسی و نظامی، جوایز خود را از "محمد صالح قادری" و "مختار سهرابی" مسئول آموزشگاه فرماندهی، دریافت کردند. در بخش دیگری از این مراسم،

ایراد نمود. بعد از سخنان "قادری"، یکی از اعضای دوره به نام "آسو"، آهنگی به نام "گه‌رانه‌وه" تقدیم حضار کرد. سپس "بوداغ بوداغی"، از سوی آموزشگاه حزب، راپورت دوره را قرائت نمود. بعد از این راپورت، یکی از اعضای دوره به نام "سرباز"، آهنگ دیگری را پیشکش مهمانان کرد. سپس، پیام دوره مقدماتی ۲۳۹ پیشمرگه از سوی "سوران" یکی

شد. در این مراسم، بخشی از اعضای رهبری حزب دمکرات، فرماندهان نظامی، کادر، پیشمرگه و مهمانان حضور داشتند. ابتدای این مراسم با سرود ملی "ای رقیب" و یک دقیقه سکوت به احترام روح پاک شهیدان کورد و کوردستان آغاز شد. سپس، "محمد صالح قادری"، مسئول روابط کوردستانی حزب دمکرات کوردستان ایران، سخنانی

در کوهستان‌های کوردستان که حامی همیشگی خیزش ملت کورد بوده، جمعی از جوانان انقلابی کوردستان، وظیفه و تعهد خود را به خاک کوردستان ادا کردند. خبرنگار کوردستان میدیا اعلام کرد: "پنجشنبه بیست‌وپنجم مهرماه، در حال و هوایی پاییزی، مراسم اختتامیه دوره مقدماتی پیشمرگه در کوهستان‌های کوردستان برگزار

مصطفی هجری:

دولتها به جای برنامه‌ریزی برای سرکوب ملت کورد، به فکر راه‌حل برای مسئله کورد باشند



که شعارها مرگ بر اردوغان و مرگ بر آمریکا بود، رژیم هیچ مشکلی برای مردم ایجاد نمی‌کرد، اما وقتی شعارها تغییر نمود رژیم نیز اقدام به سرکوب مردم کرد. "هجری" در بخشی از سخنانش اشاره کرد: "در واقع همه تغییرات منطقه و همه عقب‌نشینی‌های مبارزات کورد در تاریخ خویش، وقتی از سوی کشوری یا اجزایی مورد حمایت قرار می‌گیرد، نباید آن را به یار و حامی همیشگی خود تلقی نماید. همزمان در مورد تجمعات مردم کوردستان ایران برای حمایت از کوردستان سوریه، مسئول اجرایی حزب دمکرات گفت: "تا زمانی

وجود حکومتی کوردی در بخشی دیگر از خاک کوردستان برای ترکیه قابل قبول نبود، برای همین ترکیه با همه توان خود به کوردستان سوریه یورش برد. "مصطفی هجری"، مسئول اجرایی حزب دمکرات در گفتگویی با کانال تلویزیونی "تیشک"، در مورد عقب‌نشینی آمریکا از سوریه، از سیاست "ترامپ" در زمان تبلیغات انتخاباتی سخن گفت و اظهار داشت که ترامپ هنوز بعنوان رئیس جمهوری انتخاب نشده بود، اعلام کرد نیروهای خود را از خاورمیانه خارج می‌کند. در این گفتگو آمده است: "عقب‌نشینی نیروهای آمریکا از

عضویت در اتحادیه اروپا، از ایشان و هیئت همراه؛ قدردانی نمود. در این دیدار، آخرین وضعیت کوردستان و بویژه وضعیت کورد در کوردستان سوریه و ایران مورد بحث قرار گرفت و مسئول اجرایی حزب، نقش پارلمان اروپا و کشورهای عضو در این اتحادیه را به دقت تشریح نمود. در مقابل نیز، هیئت میهمانان از تلاش‌های خویش برای نشان دادن موقعیت ملت کورد در افکار عمومی اروپا و پارلمان اروپا، سخنانی ایراد نمودند. در این دیدار؛ "قادر کسیرگه"، عضو پارلمان سوئد، "سرکو گلالی"، عضو پارلمان کوردستان و هیئت به نمایندگی از اتحادیه میهنی کوردستان در سوئد در این نشست حضور داشتند.

وضعیت کورد در کوردستان ایران و سوریه تشریح شد



هیئت مشترک از پارلمان اتحادیه اروپا و پارلمان سوئد با حزب دمکرات کوردستان ایران دیدار کردند. بعد از ظهر شنبه، بیست‌وهفتم مهرماه، هیئت مشترک از پارلمان اتحادیه اروپا و پارلمان سوئد به سرپرستی "اوین اینجر"، عضو پارلمان اتحادیه اروپا، از حزب دمکرات کوردستان ایران دیدار کرده و از سوی هیئت از حزب دمکرات، به سرپرستی "مصطفی هجری"، مسئول اجرایی مورد استقبال قرار گرفتند. "اوین اینجر"، از دیدار با حزب دمکرات ابراز خشنودی نمود و نقش حزب دمکرات در جنبش ملی ملت کورد را گرانها توصیف نمودند. سپس، "مصطفی هجری"، ضمن تبریک به "اوین اینجر"، بدلیل

عضویت در اتحادیه اروپا، از ایشان و هیئت همراه؛ قدردانی نمود. در این دیدار، آخرین وضعیت کوردستان و بویژه وضعیت کورد در کوردستان سوریه و ایران مورد بحث قرار گرفت و مسئول اجرایی حزب، نقش پارلمان اروپا و کشورهای عضو در این اتحادیه را به دقت تشریح نمود. در مقابل نیز، هیئت میهمانان از تلاش‌های خویش برای نشان دادن موقعیت ملت کورد در افکار عمومی اروپا و پارلمان اروپا، سخنانی ایراد نمودند. در این دیدار؛ "قادر کسیرگه"، عضو پارلمان سوئد، "سرکو گلالی"، عضو پارلمان کوردستان و هیئت به نمایندگی از اتحادیه میهنی کوردستان در سوئد در این نشست حضور داشتند.

روژئاوا و معادلات امنیتی حاشیه آن

تسخیر کرده بودند.

پروژه ملت سازی ، دولت‌های خاورمیانه با مقاومت ملت‌های تحت آسیمیلیسیون همراه بود و در عمل ملت‌سازی در خاورمیانه شکست خورد تا حال سیستم دولت_ملت تحقق پیدا نکرده است. شکست ملت‌سازی در خاورمیانه مسبب آن شده است که هویت‌های بدون دولت به یک چالش امنیتی در نگاه ملت‌های سلطه تبدیل شود.

کوردها که جغرافیاشان بین چهار کشور تقسیم شده است، پروژه استحاله و آسیمیلیسیون آنها در هر چهار کشور با شکست روبرو شده است، اما در عین حال هر سه هویت همسایه کوردها، عرب سوری و عراقی، تورک و فارس کشور ضمن انکار هویت ملی آنها مطالبات هویتی کوردی را نیز تهدید علیه امنیت ملی خود می‌پندارند و باتوجه به تاثیر سنرژیمی که هویت کوردها در بخش‌های مختلف کوردستان بر همدیگر دارند، مسئله مطالبات هویتی کوردها در منزل دولت‌های سلطه‌گر کوردستان به یک ابر بحران امنیتی در سطح خاورمیانه تبدیل شده است ، بدین مفهوم که هر گاه دولتی بخواهد برخورد امنیتی خود با کوردستان تحت سلطه خود را کم کند، سه دولت دیگر آن رفتار را تهدید امنیتی علیه خود قلمداد می‌کنند و در مقام مخالف آن برمی‌آیند.

در حالت‌های که یکی از دولت‌های سلطه‌گر کوردستان، دچار ضعف شود بازهم یکی از دغدغه‌های امنیتی همسایگان این دولت سرنوشت کوردها و محدودکردن حقوق هویتی آنها است، که مهم‌ترین نمونه آن مخالفت‌های ایران و ترکیه با مسئله فراندوم استقلال کوردستان باشور است.

براین اساس می‌توان گفت که هویت کوردی از منزل دولت‌های سلطه‌گر کوردستان به مشابه یک ابر بحران امنیتی در خاورمیانه است.

ائتلاف منطقه‌ای خاورمیانه

در خاورمیانه حداقل سه ائتلاف وجود دارد:

آ: ائتلاف هلال شیعی

این ائتلاف توسط جمهوری اسلامی اداره می‌شود و خامنه‌ای جمهوری اسلامی را "دولت مقاومت" قلمداد می‌کند، عوامل خود در منطقه که از میان گروه‌های شیعه دستچین میکنند، را محور مقاومت می‌خواند. با توجه به این تقیسم‌بندی باید گفت این ائتلاف در تلاش برای تحقق هلال شیعی_فارسی است. در این زمینه می‌تواند به مصاحبه ابومهدی المهندس، معاون حشدالشعبی نیز اشاره کرد که زبان فارسی را زبان انقلاب و مقاومت می‌خواند .

ب: ائتلاف اخوان المسلمین گرداننده این ائتلاف قطر و ترکیه هستند، که حول افکار اخوان المسلمین و قدرت نرم این جریان در تلاشند تا هژمونی به محوریت تورک_عرب برای اسلامی سنی در خاورمیانه ایجاد کنند.

این ائتلاف بیشتر گرایش به ناسیونالیزم ترکی دارد، چون ترکیه از لحاظ قدرت نرم از قطر پرتوانتر است؛ مهم‌ترین نقطه

ضعف این ائتلاف هم رقابت بین ناسیونالیزم عربی و تورکی در ائتلاف مذکور است. گمانی نیست که اخت ناسیونالیزم عربی با اسلام سنی به مراتب از اخت ناسیونالیزم ترکی با اسلام سنی بیشتر است.

ج: ائتلاف عربی_یهودی

ائتلافی تشکیل شده از سعودی، امارات و اسرائیل است، که با محوریت حفظ امنیت و جلوگیری از نفوذ ایران تشکیل شده است. ائتلاف مذکور شدت متزلزل است و یکی از مخالفین جدی اختلاف فوق همان ائتلاف اخوان المسلمین است، که بخشی از ناسیونالیزم اسلامی_عربی را به دور خود جمع کرده است. در واقع ائتلاف عربی_یهودی بر پایه نیاز و تهدید تشکیل شده است نه باور و حتی اعتماد !! برای همین این ائتلاف در میدان عمل بسیار محدود عمل می‌کند و علی‌رغم توانای بالا، قدرت مانور ندارد.

در برابر این ائتلافها، روسیه به عنوان یک ابرقدرت همسایه خاورمیانه در عین حال با هر سه ائتلاف هم پیمان است، در یک ماه گذشته از یک طرف ایران را وارد اتحادیه ارواسیا کرده و از طرف دیگر صندوق سرمایه‌گذاری مشترک با سعودی ایجاد کرده است. و پوتین به آسانی یک تماس تلفنی روابط خود با ترکیه را به حالت عادی درآورد و در مصاحبه با تلوزیون العربیه اسرائیل را یک دولت روسی زبان خواند. این مسئله ربطی به قدرت دیپلماسی روسیه ندارد، بلکه بیشتر به نقش ضعیف آمریکا در خاورمیانه ، گستردگی درگیری بین ائتلاف‌ها و منافع متعدد مورد درگیری این زمینه را برای روس‌ها فراهم کرده است که همزمان با هر سه ائتلاف هم‌پیمان باشند.

در این میان آمریکا به عنوان ابرقدرت جهانی و اتحادیه اروپا به عنوان یک قدرت همسایه خاورمیانه و قدرتی که تقسیمات خاورمیانه بر اساس منافع آن انجام شده است، جزء بازیگران فرامنطقه‌ای موجود در خاورمیانه هستند، اما اهمیت در شرایط کنونی آنها بعد از روسیه قرار گرفته‌اند.

اروپا و آمریکا در معادلات خاورمیانه

اروپا پس از جنگ جهانی دوم، بیشتر در حاشیه سیاست جهانی آمریکا قرار گرفته است و در واقع اروپا از دوره جنگ سرد تا حال در عمل از تامین امنیت خودش ناتوان است. در شرایط کنونی آمریکا حداقل در زمینه خاورمیانه دست از سیاست ناظم بودن برداشته ، دونالد ترامپ، در چند ماه گذشته حداقل دو بار ادعا کرده که دیگر آمریکا به نفت خاورمیانه نیاز ندارد و در اول اکتبر ۲۰۱۹ نیروهای نظامی را از مناطق تحت حمایت حکومت روژئاوا بازخواند و این مسئله زمینه حمله ترکیه به روژئاوا را فراهم کرد .

ترامپ قبلا هم ادعا کرده بود که آمریکا ۷ هزار میلیارد دلار در عراق و افغانستان هزینه کرده و هیچ دستاوردی نداشته است ، دست کشیدن آمریکا از سیاست

ناظم بودن در خاورمیانه را می‌توان از سال ۲۰۰۷ رد آن را پیدا کرد. در اوت ۲۰۰۷ سفیر آمریکا در عراق با سفیر ایران در عراق نشست برگزار کرد، تا جنگ داخلی عراق را به خاتمه به رساند؛ این در حالی بود که ایران راهکاری برای حل این بحران عراق نبود، بلکه خودش خالق بحران جنگ داخلی در عراق بود و هدف اصلی آن جنگ هم فشار بر آمریکا و شکست دادن طرح‌های آمریکا در عراق بود.

برای بسط بیشتر این موضوع باید گفت در خاورمیانه ما با دو نوع بازیگر روبرو هستم، بازیگران فرامنطقه‌ای و بازیگران منطقه‌ای آمریکا، روسیه، چین واتحادیه اروپا بازیگران فرامنطقه‌ای خاورمیانه هستند، و آمریکا مهم‌ترین بازیگر امنیتی فرامنطقه‌ای خاورمیانه است، چون تنها قدرتی است که پایگاه نظامی در جغرافیای خاورمیانه دارد.

در چنین شرایطی اگر آمریکا از سیاست ناظم بودن در خاورمیانه دست بکشد، خاورمیانه به طرف بی‌نظمی امنیتی و نوعی آنارشیزم حرکت می‌کند که حاصل آن نظمی جدید خواهد بود.

در مرحله اول بازیگران منطقه‌ای شروع می‌کنند، به یارگیر و حذف دیگر ، اما ائتلاف‌های خاورمیانه که حالا تقریبا شکل گرفتند هیچ کدام در عمل توانای حذف دیگری را ندارند و در عین حال قدرت تحمل همدیگر را نیز ندارند ، در چنین شرایطی بعد از یک تنش بزرگ بازیگران منطقه‌ای که خسته و فرسوده شده‌اند، یکی از ابرقدرت‌های فرامنطقه‌ای را به عنوان بدیل آمریکا قبول می‌کنند، که در شرایط کنونی شانس روسیه برای این پست بیشتر از اتحادیه اروپا و چین است.

روسیه این مسئله را کاملا درک کرده است و در شرایط کنونی اولویت این کشور آن است که به بدیل امنیتی آمریکا در خاورمیانه تبدیل شود.

بر همین اساس است که روسیه در سیاست خاورمیانه خود هم پیمانی با تمام ائتلاف‌های خاورمیانه را دنبال می‌کند و در تلاش است که حداقل تنش با ائتلاف‌ها خاورمیانه داشته باشد.

البته در کوتاه مدت این سیاست روسیه می‌تواند برای ائتلاف‌ها قبل تحمل باشد، اما چون جمع جبری منافع ائتلاف‌ها منطقه‌ای صفر است، ادامه سیاست موجود توسط روسیه امکان پذیر نیست. در عین حال استراتژی هرکدام از ائتلاف‌ها هم با دیگری متفاوت است و مشخص است که روسیه این مسئله را نیز مدنظر دارد و برای مثال تقویت اسلام سیاسی که استراتژی ائتلاف اخوان المسلمین و هلال شیعه است، هیچ به نفع روسیه نیست و تحقق این خواسته روسیه را به عنوان یک دولت ارتدوکس که اقلیت بزرگی از مسلمانان در جغرافیای آن زندگی می‌کنند و عمق استراتژیکش هم کشورهای مسلمان است، قطعا با چالش اسلام بیشتر از اکنون روبرو خواهد شد و این موضوع به تهدیدی علیه امنیت ملی آن

کشور تبدیل خواهد شد.

اتحادیه اروپا ، خصوصا اروپای غربی در شرایط کنونی از طرف دو ائتلاف ائتلاف هلال شیعی و اخوان المسلمین تحت سه تهدید است؛

تهدیدات عبارتند از:

الف: تقویت و تحریک گروه‌های تروریستی اسلامی در اروپا ب: تقویت و کمک به کارتل‌های مواد مخدر موجود در اروپا برای گسترش مواد مخدر در اروپا و ایجاد ناامنی اجتماعی در این منطقه

ب: ایجاد سیل پناهندگان رو به اروپای غربی در دو سال گذشته جمهوری اسلامی و ترکیه هرکدام جداگانه تلاش کرده‌اند، که این سه کارت را جهت تحمیل خواست خود به اتحادیه اروپا علیه این اتحادیه بکارگیرند.

همزمان با آن اتحادیه اروپا یکی از بزرگترین مصرف کنندگان انرژی در جهان است، این اتحادیه برای اجراء پیماننامه محیط زیستی پاریس به گاز خاورمیانه و آسیای مرکز نیاز بیشتری دارد و در شرایط کنونی چه ایران امنیت انرژی خاورمیانه را بهم بزند و چه روسیه سلطه خود بر خاورمیانه را تحکیم بخشد که مهم‌ترین منطقه صادرکننده انرژی به اروپا است ، کارت نیاز به انرژی اتحادیه اروپا می‌تواند یک کارت فشار علیه امنیت و اقتصاد این اتحادیه باشد. اروپا همزمان با مسائل کلان امنیتی فوق مسئله برگزیت و اختلافات داخلی، سیاست‌های اقتصادی دونالد ترامپ علیه اروپا و چین، سیاست‌های اقتصادی چین در بازار جهانی ، سیاست تحکیم سلطه روسیه در اروپای شرقی نیز روبرو است، که همه این بحران و تهدیدات فوق اروپا را به حالت تدافعی کشانده و عملا این اتحادیه در جغرافیای خاورمیانه هیچ ابتکار عملی در دست ندارد. اغراق نیست که اروپا را "مرد ناتوان" معادلات خاورمیانه بنامیم.

سخن پایان

روژئاوا در شرایط حال از دیدگاه ائتلاف هلال شیعه به عنوان یک پاشنه آشیل موجود در این ائتلاف شناخته می‌شود، چون اساس این هلال بر هویت شیعه استوار است و جمهوری اسلامی با نفوذ اجتماعی در جامعه شیعه می‌خواهد این هلال را از رویا به حقیقت تبدیل کند، جدا از این همزمان هویت کوردی روژئاوا یک تهدید علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی نیز قلمداد می‌گردد، چون پایه ناسیونالیزم ایرانی هویت فارسی و دین تشیع است و تقویت مطالبات هویتی کوردی می‌تواند این ناسیونالیزم را با بحران روبرو کند.

از دیدگاه ائتلاف اخوان المسلمین هویت کوردی روژئاوا تهدیدی علیه امنیت ملی ترکیه و حتی یکپارچگی سرزمین عربی محسوب می‌شود، یعنی بخش تورکی و بخش عربی ائتلاف اخوان المسلمین در ضدیت با هویت کوردی روژئاوا متفق‌القول هستند.

کوردستان

رفتار دونالد ترامپ ۴۵مین رئیس جمهور آمریکا فضای خاورمیانه را به سوی ایجاد آنارشیزمی دولتی و همزمان تقویت ائتلاف‌های منطقه‌ای کشانده است، چون پیشتر جنگ‌های نیابتی خاورمیانه را در ورطه آنارشیزم ملیشیا محور قرار داده بود .

در این بین روسیه کم کم به یک بازیگر امنیتی جدی و بلندپرواز در خاورمیانه شده است، سیاسی که بعد از سقوط شوروی کنار گذاشته شده بود .

اتحادیه اروپا هم در معادلات خاورمیانه ناتوانتر از گذشته شده است، در این شرایط موجودیت کوردها در تمام بخش‌های کوردستان خصوصا کوردهای روژئاوا در خطر جدی است؛ چون همزمان هم هویت آنها حداقل توسط دو ائتلاف اصلی موجود در خاورمیانه تهدید امنیتی قلمداد می‌شود و هم از مشروعیت دولت در نظام بین‌الملل برخوردار نیستند. اگر رویه معادلات امنیتی خاورمیانه با ضعف یا بدون آمریکا ادامه پیداکند، به تمام معادلات فوق باید مسئله ضعف جغرافیای اسرائیل و قدرت هسته‌ای این کشور را اضافه کرد، اسرائیل از ضعف و کوچکی جغرافیای رنج می‌برد و در عین حال یک قدرت هسته‌ای است که از بمب اتم برخوردار است.

ائتلافی که این کشور در سطح منطقه عضو آن شده است، شدت متزلزل است، در چنین شرایطی امکان آن هست که ائتلاف اخوان المسلمین و هلال شیعه علیه اسرائیل صف بکشند، باتوجه به رفتار آمریکا در مورد امنیت انرژی و کوردها باید اذعان کرد، اسرائیل در حال از دوستی واقعی برخوردار نیست و در چنین حالتی احتمال حمله مشترک ائتلاف اخوان و هلال شیعه به اسرائیل وجود دارد که این حمله می‌تواند زمینه استفاده اسرائیل از بمب اتمی را فراهم کند، پس خروج آمریکا از امنیت خاورمیانه و یا ضعف این کشور در معادلات امنیتی خاورمیانه امکان جنگی که در آن بمب اتم بکار برود را بسیار بالا می‌برد.

همزمان با این مسئله امکان طولانی‌شدن جنگ‌های کنونی را نیز افزایش می‌دهد و در این بین کوردها هم بزرگترین قربانی انسانی جنگ‌های خاورمیانه تبدیل خواهند شد.

این قربانی شدن به این مفهوم نیست که در پایان جنگ هم شکست خواهند خورد، بلکه به این معنی است که در مدت جنگ بیشتر انسان کورد کشته خواهد شد، کوردها در شرایط کنونی وضعیت یهودیان در جنگ جهانی دوم را دارند، و هیچ کسی آماده نیست مسیر قطار آشویتس راמושکباران کند.

بر اساس آرایش جدید امنیت در خاورمیانه کوردها و یهودی‌ها می‌تواند، همپیمانانی قابل اعتماد برای همدیگر باشند، تا این تونل وحشت را با کمک یکدیگر طی کنند.

آگری اسماعیل نژاد

حمله دولت ترکیه به روژئاوا ریشه در ابربحران‌های موجود در خاورمیانه دارد.

هرچند ترکیه حضور نیروهای نزدیک به پکک را به بهانه‌ای برای حمله خود تبدیل کرده است، اما واقعیت مسئله بالاتر از این است که ترکیه ادعا آن را دارد.

موضوع حمله ترکیه به روژئاوا را باید در بطن اهمیت مسئله کورد در خاورمیانه جستجو کرد، کوردها ملتی هستند که بعد از جنگ جهانی اول تقسیم بر چهار کشور شدند و در تمامی این چهار کشور ضمن انکار هویت ملی آنها مطالبات هویتی کوردی را نیز تهدید علیه امنیت ملی خود می‌پندارند.

در واقع آنچه ترکیه تهدید علیه خویش میدانند نیروهای پکک نیستند، بلکه هویت کوردی روژئاوا است، و ترکیه می‌خواهد از شکل‌گیری حکومتی کوردی جلوگیری کند، تا بدین شیوه آسیمیلیسیون کورد در جغرافیا خود را آسانتر انجام دهد.

هویت کوردی از نگاه گروه سلطه ساختار کنونی خاورمیانه حاصل نظم بین‌المللی پس از جنگ جهانی اول است، این ساختار طبق دو مشخصه اصلی شکل گرفت است:

یک: کسب منافع حداکثری برای برندگان جنگ جهانی اول فرانسه و بریتانیا به عنوان دو برنده جنگ جهانی اول ساختار کنونی خاورمیانه را رقم زدند، فرانسه بیشتر در تلاش بود از میراث "مرد بیمار اروپا" سهمی را تصاحب کند، اما بریتانیا هدفی بالاتر داشت و این کشور تلاش می‌کرد، آن سوی مرزهای هندوستان را در دست بگیرد تا بتواند بهترین شکل مستعمره بزرگ خود را اداره کند.

دو: ظهور دیکتاتورهای قومی انحصارطلب

پس از جنگ جهانی اول هم کشورهای نوظهور مانند سوریه و عراق و هم جمهوری ترکیه و ایران مدرن که از خاکستر امپراطوری عثمانی و قاجار سربرآورده بودند، رویه تحقق دولت_ملت را در پیش گرفتند.

پایه تشکیل این دولت_ملت استحاله و آسیمیلیسیون ملت‌های تحت حاکمیت خود در یک هویت بود که در ایران این هویت ، هویت ایرانی خوانده شد و در ترکیه هویت تورکی و در کشورهای عربی هویت عربی_عراقی ، عربی_سوری و غیر قلمداد شد.

هویت پسانجنگ جهانی اول در کشورهای خاورمیانه در قالب حکومت‌های دیکتاتور با هدف تشکیل دولت_ملت فرم گرفت. کوردها به عنوان مردمان که از هویت مستقل از دولت‌های نوظهور برخوردار بودند، پس از جنگ جهانی اول با دو چالش عظیم روبرو شدند:

یک: تقسیم شدن بر چهار کشور دو: تهدید آسیمیلیسیون و استحاله در ملت‌های که جغرافیای آنها را

روئیای اروپائی شدن خاورمیانه



مختار نقشبندی

روئیا و آرزوی هزاران جوان در خاورمیانه مهاجرت به اروپا هست یا اینکه کشور آنان هم مثل یکی از کشورهای اروپائی می بود، دلیلش اینکه همه چیزهایی که در خاورمیانه آرزو و روئیا هست در اروپا وجود دارد، از امنیت اجتماعی و سیاسی تا رفاه و عدالت و امنیت اقتصادی و آزادی های فردی. اما چرا کشورهای اروپائی این چنین به بهشت روی زمین تبدیل شده اند و خاورمیانه به جهنم؟ چرا آنها توانستند و ما نمی توانیم؟ چرا سایه جنگ از روی خاورمیانه عبور نمی کند؟ چرا دهها سال است سایه جنگ میان ایران و عربستان و یا اعراب و اسرائیل و یا جنگ های داخلی بر روی خاورمیانه سایه انداخته است اما در اروپا اینچنین نیست؟ مگر فرانسه و آلمان و انگلستان رقیب نیستند؟ پس چرا آنان با هم وارد جنگ نمی شوند و در بسیاری موارد همپیمان همدیگر هستند؟ در این مقاله ضمن اشاره به تفاوت های دو منطقه این مسئله را بررسی خواهیم کرد که آیا خاورمیانه هم می تواند به مکانی آرام و با ثبات و مرفه تبدیل بشود؟

در جنگ جهانی دوم حدود پنجاه میلیون نفر فقط در اروپا کشته شدند. پس از جنگ، اروپا منطقه ای ویران با مردمانی بسیار خسته و زجر کشیده بود که بلافاصله پس از پایان جنگ جهانی با خطر دیگری مجدداً مواجه شدند و آن جنگ سرد و رقابت و احتمال جنگ میان آمریکا و شوروی بود که در صورت بروز هر جنگی اروپا خط مقدم جنگ می شد. کشورهای اروپائی بخصوص کشورهای اروپای مرکزی و غربی به جای ادامه مناقشات و کینه ها و انتقام و نفرت راه همکاری و همپیمانی را میان خود در پیش گرفتند و منافع کوچک را فدای منافع بزرگ

کردند. پس از پایان جنگ سرد اروپا با امید و امنیت بیشتری به رشد اقتصادی و پیشرفت ادامه داد، کشورهای اروپائی در چهار چوب مرزهایشان با احترام به آزادی های فردی و رعایت حقوق اقلیت های ملی و قومی و مذهبی بسیاری از مشکلات و اختلافات را حل کردند، هرچند هنوز بعضی کشورهای اروپائی از جمله کشورهای اروپای شرقی به اتحادیه اروپا نپیوسته اند و انگلستان هم از اتحادیه خارج می شود اما در کل اتحادیه اروپا تاثیر مهم و تعیین کننده ای در مسائل جهانی دارد و علی رغم مشکلات پیش رو از جمله تهدیدات امنیتی از طرف روسیه و رشد سریع اقتصادی چین و بعضی کشورهای جهان سوم حداقل تا چند دهه آینده اتحادیه اروپا با رشد علمی و اقتصادی و رفاه عمومی همچنان جایگاه مهمی در سطح جهان خواهد داشت. همپیمانی با آمریکا در چهار چوب ناتو تاثیر مهمی بر امنیت کشورهای اروپائی داشت و بدون شک بدون حمایت آمریکا در دوران حکومت شوروی با مشکلات زیادی مواجه می شدند و اکنون هم علی رغم فروپاشی شوروی کشورهای اروپائی بازم در مقابل روسیه به کمک آمریکا نیازمند هستند اما دلیل اصلی حفظ امنیت اروپا هماهنگی و اتحاد میان آن کشورها بود و هست و در آینده با تغییراتی در ساختار سیاسی جهان و تضاد منافع با آمریکا یا حداقل کم شدن تهدیدات روسیه احتمالاً کشورهای اروپائی ارتش مشترک اروپائی را جایگزین پیمان های نظامی کنونی خواهند کرد. احساس امنیت و ثبات در اروپا به حدی است که در مرز میان کشورهای اتحادیه اروپا هیچ ارتشی وجود ندارد.

اما در مقابل در خاورمیانه علی رغم اینکه منطقه ای غنی از لحاظ منابع طبیعی و انرژی است و نیروی کار جوان و فراوانی دارد و پتانسیل های زیادی برای رشد و ترقی اما در کل منطقه ای توسعه

نیافته و نا امن است، درست است که بعضی از کشورهای خاورمیانه مانند امارات و عربستان و قطر از لحاظ اقتصادی در شرایط خوبی هستند اما از لحاظ دموکراسی و آزادی های اجتماعی و سیاسی شرایط بسیار بدی دارند، با توجه به شرایط کنونی، آینده روشن و خوبی را در چند دهه آینده برای خاورمیانه نمی توان تصور کرد، آمار و ارقام بانک جهانی و مؤسسات جهانی نشان از رشد اقتصادی خاورمیانه دارند اما این رشد به نسبت منابع و شرایط خاورمیانه بسیار کم است و بروز هر جنگ احتمالی شرایط بسیار بدی را به وجود خواهد آورد، جنگ سرد و نیابتی عربستان و ایران و جنگ های داخلی و انقلاب های بی سرانجام در کشورهای خاورمیانه و مشکلات لاینحل اعراب و اسرائیل همگی نشان از آینده ای پر تنش و آشوب دارند. خاورمیانه به محل رقابت قدرت های فرامنطقه ای به ویژه آمریکا و روسیه تبدیل شده و آهسته آهسته صدای پای حضور چین هم به گوش میرسد و این اوضاع را پیچیده تر خواهد کرد، در حالیکه میانگین بودجه نظامی جهان حدود ۲ درصد تولید ناخالص داخلی است و بسیاری از کشورهای اروپائی حتی کمتر از ۲ درصد را صرف مسائل نظامی می کنند کشورهای خاورمیانه با تولید ناخالص داخلی و سرانه بسیار کمتری نسبت به کشورهای اروپائی بخش مهمی از تولید ناخالص داخلی را صرف مسائل نظامی می کنند و بهترین مشتری و خریدار تسلیحاتی در جهان هستند و در کنار آن هم روز به روز حضور نظامی کشورهای فرامنطقه ای هم بیشتر می شود. روزی نیست خبر سرکوب معترضین در یکی از کشورهای خاورمیانه یا تهدید یکی از کشورها علیه دیگری یا گزارش یکی از مؤسسات جهانی در مورد آمار بالای اعدام و شکنجه و تبعیض ملیتی و قومی و مذهبی و جنسیتی در خاورمیانه

به گوش نرسد، اما واقعا چرا؟ چرا؟ چرا این همه تفاوت؟ چرا در کشورهای اروپائی حیوان آزاری هم جرم است اما در خاورمیانه و شمال آفریقا و کشورهای دیگر همسایه با خاورمیانه جان انسان ها از همه چیز بی ارزشتر است؟ فرهنگ و نوع نگرش به زندگی و سیاست دلیل اصلی این همه تفاوت است، در کشورهای اروپائی هم اشخاص سیاسی و احزاب و پرچم و کشور و ملیت و قوم و زبان و عقیده و مذهب ارزشمند هستند اما پس از انسان و همه این مسائل برای خدمت به انسان است اما در خاورمیانه کاملاً متفاوت است و هر چیزی از انسان ارزشمند تر است، تعصب آنچنان از دوران کودکی در ذهن ها فرو رفته که حتی بعضی سیاستمداران به اصلاح چپ و دموکرات در خاورمیانه بر خلاف سخنان زیبایشان در عمل شبیه به گروههای افراطی مذهبی رفتار می کنند، بیشتر اپوزیسیون رژیم های دیکتاتوری در خاورمیانه یا فرقی با رژیم های دیکتاتوری ندارند یا از آنان بدترند، دلیل شکست بهار عربی و بدتر شدن اوضاع سیاسی و اقتصادی در اکثر کشورهای که مردم قیام کردند نبود الترانیتو دموکرات بود. در ۷۰ سال گذشته دیکتاتورها و رژیم های ایدئولوژیک در خاورمیانه یکی پس از دیگری با حذف دیکتاتوری دیگر به قدرت رسیدند و برای حفظ قدرت وابسته به قدرتی فرامنطقه ای شدند و جز جنگ و ویرانی دستاوردی نداشتند، تعصب آنچنان چشمان را کور کرده که همگی به فکر حذف مخالفان هستند و هرگز به همزیستی فکر نمی کنند، بیش از ۷۰ سال تلاش کشورهای عربی و ایران (۴۰ سال گذشته برای نابودی اسرائیل جز چند جنگ خانمان سوز چه دستاوردی برای خاورمیانه داشته است؟ یا ممانعت اسرائیل از تشکیل کشور فلسطینی در مناطق خودگردان جز افزایش کینه و تنش چه دستاوردی داشته است؟ آیا راهی

جز همزیستی مسالمت آمیز ۲ کشور مستقل اسرائیل و فلسطین وجود دارد؟ سرکوب ملت کرد جز جنگ و ویرانی آیا دستاوردی داشته است؟ آیا راهی جز پایان تبعیض و رعایت حقوق ملت کرد وجود دارد؟ آیا جنگ احتمالی ایران و عربستان و همپیمانانشان نتیجه و دستاوردی متفاوت از ۸ سال جنگ بیهوده ایران و عراق خواهد داشت؟ آیا جنگ و بحران یمن و سوریه جز بدبختی و فقر دستاوردی برای خاورمیانه داشته است؟

بعضی ها قدرت های فرا منطقه ای را مسبب اصلی همه مشکلات می دانند، اما آیا قدرت های فرا منطقه ای صدام را مجبور کردند به ایران و کویت حمله کند؟ آیا کسی رژیم ایران را مجبور کرده بود که سیاست صدور انقلاب را در پیش بگیرد و برای دهها سال منطقه را دچار بحران و جنگ کند؟ آیا قدرت های فرا منطقه ای ترکیه و ایران و عراق و سوریه را مجبور کرده اند حقوق ملت کرد را رعایت نکنند؟ آیا این همه تبعیض و دزدی و اعدام و فساد و جنایت در کشورهای خاورمیانه به دستور قدرت های فرامنطقه ای است؟ آیا بحران یمن که بزرگترین بحران انسانی این قرن است را کشورهای فرامنطقه ای به وجود آوردند یا ایران و عربستان؟ با متهم کردن و مقصر دانستن دیگر کشورها تنها خود را گول زده ایم، واقعیت این است که در ساختار سیاسی جهان همه کشورها به دنبال منافع خود هستند و وقتی دیکتاتورهایی مثل خمینی یا صدام یا اردوغان با طمع و تعصب مشکل و تنش ایجاد می کنند قدرت های فرا منطقه ای از آن مشکل به عنوان فرصتی برای افزایش نفوذ استفاده می کنند، اگر در فرانسه یا انگلستان یا آلمان دیکتاتوری به قدرت می رسید و مشکل بزرگی با همسایگان ایجاد می کرد حتماً روسیه و چین سعی می کردند از آن فرصت برای نفوذ در اروپا نهایت استفاده را

بکنند اما کشورهای اروپائی با درک دقیقی از مسائل سیاسی و قدرت دهها سال است که چنین اشتباهاتی را مرتکب نمی شوند. اگر کشورهای خاورمیانه در داخل مرز هایشان دموکراسی و حقوق بشر را رعایت کنند و همه کشورها با هم روابط خوب و سالمی بر اساس منافع مشترک داشته باشند دیگر هیچ بهانه ای برای دخالت قدرت های فرامنطقه ای وجود نخواهد داشت. بله خاورمیانه هم می تواند به منطقه ای مرفه و امن تبدیل شود، تنها لازم است به جای انکار و تلاش برای حذف راه دوستی و برابری و عدالت و همکاری را در پیش بگیریم، این یک روئیا است اما یک روئیای دست یافتنی، اگر کشورهای خاورمیانه در درون مرزهایشان حقوق همه اقلیت های ملی و قومی و مذهبی را رعایت کنند و به جای تلاش برای حذف و نابودی کشورهای همسایه راه اتحاد و همکاری مشترک را در پیش بگیرند دیگر نه احتیاجی به حضور نیروهای نظامی فرامنطقه ای است و نه احتیاجی به خرید های صد ها میلیارد دلاری تجهیزات نظامی، بلکه با همکاری و اتحاد با حدود ۲ درصد از تولید ناخالص داخلی می توانند بالاترین سطح امنیت را برای خاورمیانه فراهم کنند و با استفاده از همه امکانات و پتانسیل ها با رشد بالای اقتصادی به جایگاه مهمی در جهان برسند و مردم خاورمیانه با رفاه و خوشی زندگی کنند. تنها لازم است به جای حذف و انکار یکدیگر و شخص پرستی و مطلق گرایی راه همبستگی و اتحاد و دموکراسی را در پیش بگیریم. برای تغییر های بزرگ کافی است از خودمان شروع کنیم و از تعصب و شخص پرستی و مطلق گرایی دوری کنیم و به حقوق دیگران احترام بگذاریم.

ریشه‌های روانشناختی دموکراسی

قدرت‌های برونی را برای دستیابی به دموکراسی کافی نمی‌داند، بلکه لازمه روانی تحقق دموکراسی را تحقق "فردیت" یا "آزادی مثبت" می‌داند؛ زیرا آزادی منفی بیان افکار و احساسات در صورتی دارای معناست که بتوانیم افکار و احساسات و خواسته‌های اصلی برای بیان از خود داشته باشیم. مزیت آزادی منفی و رهایی از قیود قدرت‌های خارجی در این است که بتوانیم در پرتو آن شرایط مساعد، در درون، "فردیت خویش" را محقق سازیم و استحکام بخشیم. به باور "فروم"، آزادی منفی موجب بندگی و بردگی انسان شده است. چرا که موجب شده است انسان دچار "از خود بیگانگی" شود. به زعم وی راه برون رفت از این وضعیت، آزادی مثبت، یعنی: تحقق کامل قوای فرد و توانایی برای خودانگیخته بودن و فعال زیستن و تحقق کامل فردیت است. از اینرو آینده دموکراسی وابسته به تحقق فردیت آدمی است. "فروم"، رژیم دموکراسی معاصر را به دلایلی از جمله: وواج آزادی بی حساب و کتاب، قادر به حل تعارض‌های روانی انسان نمی‌داند.



"لاسول" انجام اصلاحات مداوم برای سازگاری آرام با شرایط در حال تغییر را به سیاستمداران توصیه می‌کند؛ زیرا بر مبنای علم سیاست به عنوان علم دموکراسی، نامنظم بودن تغییرات از سوی هیئت حاکمه موجب بدگمانی می‌شود. وی برای حمایت از دموکراسی بر استفاده از "مصاحبه‌های طولانی" که آن را شاخص‌ترین ابداع روش "فرودیدی" می‌دانست، تأکید داشت. "اریک فروم" میان دو جنبه آزادی، یعنی "آزادی منفی" و "آزادی مثبت"، تفکیک قائل می‌شود. او آزادی منفی، یعنی: نفی‌کننده بندهای بیرونی و استیلا

به تعبیر وی این تیپ شخصیتی دارای ویژگی‌های زیر است:
۱- همسانی با دیگران به نحوی که فرد را آماده اقبال اجتماعی به دیگران می‌کند.
۲- اولویت دادن به ارزش‌ها و خواسته‌های مشترک با دیگران.
۳- ایمان راسخ به نیک بودن نهاد بشر.
۴- کسب حمایت از ناخواگاه.

"لاسول" ضمن بیان ضرورت تجانس میان "منش دموکراتیک" و "جامعه دموکراتی" اظهار می‌دارد که روابط نامناسب میان اشخاص، موجب کاهش عزت نفس و توقف رشد منش دموکراتیک می‌شود.

شده‌ای که ابزارهای مهار و توازن قوا در آن تعبیه شده باشد و ضمن ممانعت از سوءاستفاده از قدرت، اجازه اعتراض یا مخالفت را به افراد بدهد.
۳- الگوهای نظارتی که امکان دستیابی عادلانه به ثروت مهارت، اطلاعات و سایر ارزش‌هایی را که قدرت تابع آن‌هاست، فراهم کند؛ زیرا نخبگان ممکن است به شکلی ناعادلانه در قالب یک طبقه بسته، وضعیت خود را تحکیم بخشند و اجازه گردش نخبگان را به افراد تحت سلطه ندهند.

"لاسول" در دهه میلادی، دیدگاه‌های جالب در باب "منش و شخصیت دموکراتیک" ارائه کرد.

شخصیت دموکراتیک نفی هرگونه شخصیت‌پرستی است. داشتن نگرشی سطحی از دنیای اجتماعی و تقسیم‌بندی آن به نیک و بد، سیاه و سفید، آدم‌های خوب و آدم‌های بد، از ویژگی بارز شخصیت سلطه‌جو به شمار می‌رود. این موارد در شخصیت دموکراتیک، برعکس است.

از دیدگاه "لاسول" (۱۹۳۰)، استقرار و استمرار دموکراسی به عوامل زیر بستگی دارد:
۱- پرورش شخصیت‌هایی که اهل مدارا و احساس مسئولیت‌اند. این امر از طریق آموزش افراد تحقق می‌یابد.

۲- ساختارهای سیاسی نهادینه

بهزاد قادری

یکی از تعاریف مطرح درباره "دموکراسی"، تعریفی است که "آبراهام لینکلن" بیان کرده است: "دموکراسی حکومت مردم توسط مردم برای مردم، توسط همه و برای همه است".

بررسی ریشه‌های روانشناختی دموکراسی مستلزم بررسی دو تیپ شخصیتی است. از نگاه روانشناسی، دو تیپ: "شخصیت سلطه‌جو و شخصیت دموکراتیک" در مقابل هم قرار می‌گیرند. شخصیت سلطه‌جو به موجود بزرگسالی اطلاق می‌شود که به کمال موردنظر نرسیده و از وابستگی دوران طفولیت خود رها نشده است. در مقابل، شخصیت دموکراتیک به بلوغ و کمال موردنظر رسیده و خواهان پذیرش مسئولیت در قبال تصمیمات خویش است. شخصیت سلطه‌جو همواره به دنبال یک رئیس و تبعیت از یک شخص است، در حالی که برای شخصیت دموکراتیک، نهادها و نه افراد حائز اهمیت هستند. در واقع در شخصیت سلطه‌جو شخصیت‌گرایی و شخصیت‌پرستی همواره مورد توجه قرار می‌گیرد، در حالی که اصل بنیادی برای

جان لاک و مفهوم انقلابی



را در واژه ی موجود سیاسی (creature political) به رخ می کشد، چرا او به فیلسوفی عاقل (oracular philosopher) مشهور بوده است، از تعدادی از دست مایه های لاک می توان بهره برد تا سلطه ی ها را باطل کرد، تلاش او برای دست یازیدن به فراسوی تفکر عمیق ستودنیست، چرا که او رهیافت ها را عقلانی و کوشنده (diligent) می دید نه آسمانی! با تمسک به اندیشه های {جان لاک} ما می توانیم از وقوع بی نظمی جلوگیری کنیم.

انقلاب به تمدنی در خور انسان ها منتهی نشود و فقط در این میان هرج و مرج (anarchical) ظهور کند. اما واقعا بعد از فتح انقلاب (conquest of revolution) جامعه ی ما نیز واجد شرایط انحلال است؟ جواب به واقع پیچیده است، نگارنده گمان می برد ابتدا باید جامعه ی فعلی را مورد مطالعه قرار داد، آن هم نه با چند نقد دست و پا شکسته که نمی توانند تصویر درستی را به ما بدهند! حتی اگر انحلال نیاز باشد، حفظ جان و مال مردم [بر خلاف پایمال شدن حقوق مردم در انقلاب ۵۷-کافیست فقط به سرگذشت بهائیان سرک بکشید] جزو واجبات است. هرگاه که بدیهی ترین حقوق مردم از دست رفت، جهت انقلاب کژمدار (orbit tilt) بوده است. با این حال، لاک رهیافت نوین خود (new approach)

(neglect) در باب انقلاب سخن می گفت. به همین خاطر بود که لاک علاقه داشت با مبحث عقلانیت حاکمیت را در دولت آنطور که بایسته هست محدود کند. یک اشکال عمده بر لاک وارد است، «او انقلاب را برای تکامل سیاسی (political evolution) قبول نداشت». چون او این پدیده [انقلاب] مبتنی بر خودجوشی و پیروزی مردم می دانست، انقلاب در نگاه او انقلاب رفورم بود، چرا که تنها راه گریز در انتها فرآیند اصلاحات مردمی بود. و اما درج یک نکته: "چرا لاک با نگاه نافذ فلسفی روی خوشی به انقلاب نشان نمی داد؟ پاسخ این است که وی مطمئن نبود که عنصر کوشندگی در هر انقلابی وجود داشته باشد که بتواند انقلاب را از وجود پایمال شدن (trample) دور نگاه دارد. لاک، هراسان بود که جهت هدایت

بی شک منظور هابز از انحلال جامعه با چیزی که امروز متداول است دو مفهوم جدا از یکدیگر است، اما روی آوردن به جامعه ی سیاسی برای فروپاشی بخش لاینفکی خواهد بود. منحل نگشتن جامعه ای که دروناً به تعهد افراد در پیکره ی سیاسی بصورت مستقل عمل کرده، کاری سخت است که شاید فقط توسط نیروی نظامی بیرونی انجام شود. این شکل از اجتماع، شکلیست که مردم بدان نیازمندند. لاک نیز ظهور این پیکره را دولت عقل (state of Reason) می خواند، مبنایی که در اندیشه ی سیاسی روسو نیز به اسم اراده ی عمومی (public will) طرح شد اما به شکل ایهام آمیزی پنهان ماند! لاک شخصاً و به تنهایی مفهوم انقلاب را آنچنان که باید مطلوب نمی دانست چرا که همیشه از غفلت سیاسی (political)

اصلاحی صورت پذیرد. وقوع انقلاب یا اسلحه ی مقاومت در برابر زور نامشروع [علی خامنه ای] منسبایی دارد که وضعیت جنگی نیز همان را داراست، لاک در رساله ی خود تشابه این دو را به شکلی یکسان اما فلسفی اثبات می کند، البته ماهیت جنگ بخصوص جنگ داخلی تفاوت زیادی با وقوع انقلاب ندارد، بدین سان که وضعیت مدنی در خطر متجاوز (transgressive risk) قرار دارد و حق مقاومت برای حفظ جان و مال قطعاً ضروری است. بدین شکل تنها یک تفاوت فاحش هنگام پدید آمدن انقلاب به چشم می خورد و آن مقاومت جامعه ی سیاسی در پوشش گسترده [عام] و ظهور حکومت جدید است. جالب است که هابز فروپاشی با انحلال جامعه (dissolution of society) را تفکیک کرده است،

دیاکو مرادی

لاک معتقد است که: «سکان قدرت (potency rudder) را تنها خردمندی و روح کوشش به دست خواهد گرفت». وی جریان عدالت را در دادگری (justice)، تبیین می کرد، البته هیچ تضمینی وجود ندارد که در آینده ی ایران، حاکمان دادگر باشند و در نهایت همه چیز به خرد و کوشش مردم بر می گردد. همچنین مردم حق دارند که در عصاره ی انقلاب (extract revolution)، بحران را خود بر دست گیرند، از این رو می توان به نظریه ی لاک تکیه کرد که "حضور قاطع و عملگرایانه مردم قادر است حکومت وقت را به فروپاشی برساند" البته مشروط بر شکلی که قاعدتا مجادله های

ضعیف ترین عملکرد اقتصادی



یک شغل مهم و آینده ساز، ارزش من را نادیده نگیرید



خالد درویش

بعاد خروج امریکا از توافق برجام، رکود اقتصادی یکی از مشخصه های بارز اقتصاد ایران بوده است، چنین نرخ منفی از رشد اقتصادی حتی در دهه شصت یا به عبارتی در دوران جنگ ویرانگر ایران و عراق هم بی سابقه بوده است. جدای از اینکه در طی چنین استبدادی عوامل متعددی همچون، گماشتن مسئولین ولایت مدار نه براساس تخصص بلکه از روی میزان پایبندیشان به اصل ولایت فقیه و بیت رهبری، دخالتهای وسیع و گسترده نهادهای حکومتی در اقتصاد، انحصار مطلق و بلامنزاع بازار و شرکتهای تولیدی و خدماتی در دست سپاه پاسداران و نهادهای و قرارگاههای وابسته به آن، از عوامل اصلی وضعیت نابسامان اقتصاد ایران هستند، آنچه از روند کمتر از یکساله تغییر داده های برآوردی صندوق بین المللی پول و سایر نهادهای ناظر استنباط و استخراج می گردد، تاثیر مستقیم بکارگیری سیاستهای نامتعارف و تنش زای جمهوری اسلامی در منطقه و جهان است، سیاستهایی که به زعم حاکمان رژیم بکارگیریشان نه تنها عاملی مثبت و تاثیرگذار جهت برون رفت از مشکلات و باتلاق کنونی نبوده بلکه به عنوان

سازمانهای ناظر به عملکرد اقتصادی جهان همچون صندوق بین المللی پول و بانک جهانی در اوایل ۲۰۱۹ میلادی چشم انداز اقتصاد ایران را برای سال منتهی به ۲۰۱۹ منفی ۳ درصد پیش بینی کرده بودند. دیری نگذشت که در اردیبهشت ۹۸ هجری شمسی و در سالروز خروج یکجانبه امریکا از برجام و متعاقبا عدم تمدید معافیتهای فروش نفت ایران چنین نرخی به منفی ۶ درصد نقل مکان کرد و اینک تازه ترین گزارش صندوق بین المللی پول از کوچک تر شدن اقتصاد ایران و مشخصا رشد منفی ۹/۹ درصد را برای سال منتهی به ۲۰۱۹ برآورد کرده اند. اگرچه اقتصاد ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی در طی بیشتر از چهار سال از حاکمیت ایدئولوژیک و قرون وسطی اش حرفی برای گفتن نداشته و تا به امروز بیشتر از هفده سال و در طی سه دوره، جنگ هشت ساله ایران و عراق، اواخر دهه هشتاد هجری و قبل از توافق برجام، و

سولین سنه

در جامعه ای که برابری جنسیتی وجود ندارد مشکلات زیادی هست برابری جنسیتی بدان معناست که زن و مرد حقوق ووظایف یکسان دارند و همه از فرصت های مساوی در جامعه برخوردار هستند همچنین برابری جنسی مربوط به عدالت و تقسیم مسئولیت است ، هم در جامعه هم در خانواده ... یک زن توانایی انجام تمام کارها را دارد یک زن خانه دار مسئولیت آشپزی نظافت نگهداری واز همه مهم تر تربیت و پرورش و تحویل امدای مفید به جامعه را به عهده دارد که اگر هر کدام از این کارها را به یک متخصص سپرد هزینه های بسیاری خواهد داشت و این در حالیست که همه میدانیم هیچ کس مانند یک مادر مهربان و دلسوز و یک همسر خوب نمی تواند همه این کارها رو سرسامان بدهد. تفکر غلطی وجود دارد که زنان را به دو گروه خانه دار و شاغل تقسیم می کند آیا یک زن شاغل خانه دار هم نیست یک مادر یا یک همسر نیست پس تمام زنها میتوانند در کنار خانه دار بودن شاغل هم باشند و در بیرون از خانه هم مشغول کار باشند آیا زن با انجام تمام این کارها باز هم باید قربانی تعصبات و مرد سالاری ها و تبعیض های جنسی باشد.

طبق گزارش سازمان بهداشت برابری جنسی سلامت مردان را افزایش می دهد مردان در کشورهای با شکاف جنسی کمتر ، نرخ مرگ و میر پایین تری دارند و کمتر به افسردگی و بیماری های قلبی - عروقی مبتلا می شوند آنها روابط جنسی محافظت شده تری دارند و رفتارهای خشن کمتری از خود بروز می دهند. با وجود اینکه مردان در کشورهای غیر اسلامی به دلیل کشیدن سیگار و نوشیدن مشروبات الکلی بیشتر از زنان در معرض ابتلا به بیماری های گوناگون هستند اما این برابری جنسی سبب شده نسبت به مردان دیگر مناطق جهان از سلامت بهتری بهرمنند شوند بالا بودن شکاف جنسی و ارزش شمردن (مردانگی) در جوامع سبب میشود مردان رفتارهایی از خود بروز دهند که سلامت آنان را باخطر مواجه می کند این افراد به بهانه ای قدرت بدنی بالاتر تغذیه ای ناسالم تری دارند، رفتارهای پرخطر جنسی و خشونت بیشتری از خود بروز می دهند. برابری جنسیتی به باور فمینیستی گفته می شود که هدفش عموما حذف نابرابری های جنسی ، مرد سالاری ، و جنسیت گرایی است سازمان ملل متحد برابری جنسی را نخستین حق انسانی خوانده است . اما در ایران انتقاد از برابری جنسیتی و تاکید بر عدالت

اسلامی جنسی شده است. سید علی خامنه ای رهبر جمهوری اسلامی ایران روز ۲۹ اسفند ۱۳۹۵ خورشیدی و هم زمان با روز زن در ایران موضوع برابری جنسی زنان و مردان را مفهومی (غربی) خواند و گفت که برابری باید بر اساس ظرفیت های (خدادادی) و پرورش آنها باشد و بدینگونه برابری زنان و مردان را خوار شمرد و بر ادامه تبعیض علیه زنان فرمان داد. یک زن تا آخرین لحظات زندگی خود با عشق و محبت همه کارها را انجام می دهد حتی زمانی که مریض و ناتوان است تمام سعی خود را خواهد کرد . همانطور که می دانیم خانواده که ستون اصلی آن زن است نقش زیادی در ایجاد فرهنگ برابری میان دختر و پسران را دارد یک زن باید بدون ترس از اینکه همسر یا پدرم بفهمد چه میشود آن گونه که دوست دارد زندگی را تجربه کند در جامعه ای که زنان پایه پای مردان در پیشرفت اقتصاد و فرهنگ جامعه ای خود شریک هستند و مسئولیت های زیادتری برعهده دارند باید فردگرایی حرف اول را بزند نه جنسیت، اما متأسفانه در ایران جمهوری اسلامی ایران زنان را به عنوان (نیمه فعال) جامعه می داند و برای ممانعت از رشد و ارتقا زنان قوانین متعددی را تصویب کرده است.

مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران: مردم کوردستان ایران خیابان‌های شهرها را میدان مقاومت تبدیل کنند

با مردم کوردستان سوریه مستمر باشند و خیابان‌های شهرهای کوردستان را به میدان مقاومت در برابر دیکتاتور و اشغالگران تبدیل کنند، برای اینکه در همه تجمعات شعارها هماهنگ بوده و از این طریق صدا و موضع مشترک در تجمعات معلوم گردد. ضروری است که این شعارها را برای حمایت از مردم کوردستان سوریه و مسئله جنبش ملت کورد قرانت گردد:

«اشغالگر بدانند، همه کوردستان علیه آنان است»
«زنده باد پیشمرگه»
«مرگ بر اشغالگر روژهاات تا روژآوا، جایی برای دیکتاتور نیست»

مرکز همکاری احزاب کوردستان

ایران

۱۳ اکتبر ۲۰۱۹ میلادی

۲۱ مهر ۱۳۹۸ خورشیدی

جنگ طلبی، همدردی و مبارزات مشترک خود با مردم کوردستان سوریه را اعلام کردند. وضعیت خفقان کوردستان ایران، فشار و تهدیدات نیروهای سرکوبگر داعش‌گونه رژیم اسلامی ایران نتوانسته جلوی اراده ملتمان برای حمایت از هر چهار بخش اشغال شده میهن را بگیرد.

مرکز همکاری احزاب، ضمن قدردانی و حمایت از حرکت شجاعانه و صدای آزادیخواهانه مردم کوردستان و همه جهان برای محکوم کردن این جنگ و قتل‌عام، در جهت صلح و آزادی و ثبات، از تمامی جوامع و مراکز حقوق بشر و بین‌الملل، تقاضا دارد که علیه این اشغالگری و جنگ و کشتار بایستند.

همچنین از مردم کوردستان ایران تقاضا دارد که در حمایت از همدردی و مبارزات مشترک خود

مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران، در بیانیه‌ای ضمن حمایت از خیزش مردم کوردستان، از آنان تقاضا کرد که خیابان‌ها را به میدان مقاومت علیه متجاوزان تبدیل کنند.

متن بیانیه بدین شرح است:

هموطنان گرامی!
ملت آزادیخواه کوردستان ایران!
همانگونه که مستحضر هستید در چهار روز گذشته، حملات گسترده‌ای از آسمان و زمین به خاک کوردستان سوریه از سوی ارتش ترکیه آغاز شده است و براساس آخرین آمار، تا کنون صدها کشته و زخمی بر جا گذاشته است و ده‌ها هزار تن از مردم مدنی ناگزیر مجبور به ترک خانه و زندگی خویش گشته‌اند.

در دو روز گذشته، ملت مبارز کوردستان ایران، با به خیابان آمدن و محکوم کردن اشغالگری و

مردم کوردستان ایران علیه حملات ترکیه تجمع اعتراضی برپا کردند



رژیم درگیری به وقوع پیوست. نیروهای رژیم با «باتوم» به مردم حمله‌ور شدند و مردم نیز با «سنگ باران» کردن نیروهای رژیم، جواب آنان را دادند، یکی از افرادی که مورد حمله مردم قرار گرفت، رئیس اداره آگاهی رژیم بود که شخصا در سرکوب مردم شرکت داشت. در این تجمع چندین تن از معترضان از سوی نیروهای سرکوبگر رژیم بازداشت شدند.

از کوردستان، برگزار شد.

در این تجمع شعارهایی مانند: «مرگ بر دیکتاتور، زنده باد مقاومت روژآوا، روژآوا تنها نیست، تا یک کورد زنده باشد کوردستان همچنان زنده است» سر دادند.

در این تجمع، نیروهای رژیم تروریست ایران و جاش و مزدوران رژیم، برای متفرق کردن و مقابله با مردم مریوان در آماده باش بودند و سرانجام بین مردم و نیروهای

مردم میهن دوست و مبارز مریوان برای محکوم کردن حملات ارتش ترکیه به خاک کوردستان تجمع اعتراضی برگزار کردند.

جمعه ۱۹ مهرماه، ساعت ۱۶ بعداز ظهر، در «پارک ملت» (باغ پارک) شهرستان مریوان، تجمعی اعتراضی از سوی مردم این شهر علیه حملات وحشیانه حکومت ترکیه به کوردستان سوریه و برای حمایت از مردم بی‌دفاع این بخش

دانشجویان مریوانی از کوردستان سوریه حمایت کردند



خاک کوردستان را شدیداً محکوم کرده و خواهان اجرایی شدن این نکات هستیم:

۱- توقف هرچه سریع‌تر این جنگ نابرابر از سوی سازمان ملل متحد که به غیر از بحرانی‌تر کردن جنگ در منطقه، هیچ دستاورد دیگری ندارد.

۲- اعتراض جامعه جهانی در مقابله با قتل‌عام دسته‌جمعی دیگر که این بار به شیوه مستقیم از سوی ترکیه صورت می‌پذیرد و هدف آن نابودی کورد است.

۳- به خیابان آمدن کوردها در همه جهان برای متحد شدن با مردم مدنی در کوردستان سوریه، که هدف اصلی ارتش فاشیزم ترکیه هستند.

۴- دادگاهی کردن اردوغان از سوی سازمان ملل متحد، که همه اسناد نشان‌دهنده حمایت وی از تروریسم است.

۵- محکوم کردن جهانی این تجاوز اردوغان به خاک کوردستان سوریه که تجاوز بین‌المللی به شمار می‌آید.

دانشجویان دانشگاه پیام نور

مریوان

۲۱ مهرماه ۲۰۱۹ کوردی

دسته جمعی دیگری باشیم. اما همانگونه که کوبانی سقوط نکرد، مطمئناً کوردستان سوریه هم سقوط نخواهد کرد و اردوغان را در مقابل جامعه انسانی سرافکننده خواهد کرد و کورد حماسه‌ای دیگر در برابر وحشی‌گری و فاشیزم خلق خواهد کرد.

ترکیه که نتوانست از طریق گروه‌های تروریستی وابسته به خود، کوردستان سوریه را با خطری مواجه کند، اینک قاطعانه سیمای حقیقی خود را نشان می‌دهد و با بمباران کردن شهر و روستاهای کوردستان سوریه و کشتار مردم غیر نظامی و بی‌گناه این منطقه، چهره‌ای تنفرآورتر از همیشه برای خویش درست کرده است، مطمئناً

این حمله، سرافکنندگی دیگر برای ترکیه و «AKP» به جای خواهد گذاشت؛ شاید کورد هم ضربه ببیند ولی پیروزی با کورد است که بزرگترین و موثرترین نیرو در شکست دادن داعش و بعضی از گروه‌های پرورش یافته دست کشورهای دیکتاتور منطقه بود.

ما بعنوان دانشجویان دانشگاه پیام نور مریوان، ضمن اعلام نگرانی خود از بوقوع پیوستن فاجعه انسانی دیگر، این تجاوز ترکیه به

دانشجویان دانشگاه پیام نور مریوان، برای محکوم کردن حملات ترکیه به کوردستان سوریه و حمایت از این بخش از خاک کوردستان، تجمعی اعتراضی برگزار کردند و بیاننامه‌ای منتشر کردند.

یکشنبه ۲۱ مهرماه، جمعی از دانشجویان پیام نور مریوان، تجمعی اعتراضی در دانشگاه برگزار کردند و ضمن محکوم کردن حملات ترکیه به کوردستان، در حمایت از کوردستان سوریه، بیاننامه‌ای منتشر کردند.

متن این بیاننامه بدین شرح است: بیاننامه دانشجویان دانشگاه پیام نور مریوان، برای محکوم کردن حملات ترکیه به خاک کوردستان سوریه

ملت حقلب کوردستان!
ارتش فاشیزم و جنگ طلب ترکیه به نام اسلام و با هدف قتل‌عام دسته‌جمعی کورد و ویران نمودن کوردستان سوریه، با توپ و تانک و هواپیمای جنگی به کوردستان سوریه حمله کرده است.

این یورش با چراغ سبز دولتهای قدرتمند بوقوع پیوسته و حتی صدای سازمان‌های حقوق بشر و سازمان ملل متحد، نیز به گوش نمی‌رسد و باید در انتظار قتل و عام

کوردستان ایران در حمایت از روژآوا خروشید



کوردستان زنده است، روژآوا تنها نیست روژهاات پشتیبان آن است» سر دادند.

در روزهای اخیر، اقبال مختلف کوردستان ایران حمله ارتش ترکیه به کوردستان سوریه را محکوم کرده و حمایت خود از مقاومت و مبارزات مردم کوردستان سوریه اعلام کردند.

شهرهایی که تجمع اعتراضی در آن در حال انجام است عبارتند از: «کرمانشاه، سنندج، بانه، سقز، اشویه، بوکان، سردشت، جوانرو، ثلاث باباجانی، پاوه».

در این تجمعات اعتراضی شعارهایی مانند: «زنده باد مقاومت روژآوا، کوردستان کوردستان گورستان فاشیستان، مرگ و نمان و نیستی برای ترکیه فاشیستی، مرگ بر دیکتاتور، تا یک کورد زنده باشد

در سراسر کوردستان ایران، مردم برای محکوم کردن جنایت ارتش ترکیه و حمایت از کوردستان سوریه به خیابان‌ها ریختند.

براساس گزارش رسیده به وب سایت کوردستان میدیا، در سراسر کوردستان ایران، مردم به خیابان آمده و حمله ارتش ترکیه به کوردستان سوریه را محکوم کرده و حمایت همه جانبه خود از مردم بی‌دفاع روژآوا را اعلام داشتند.

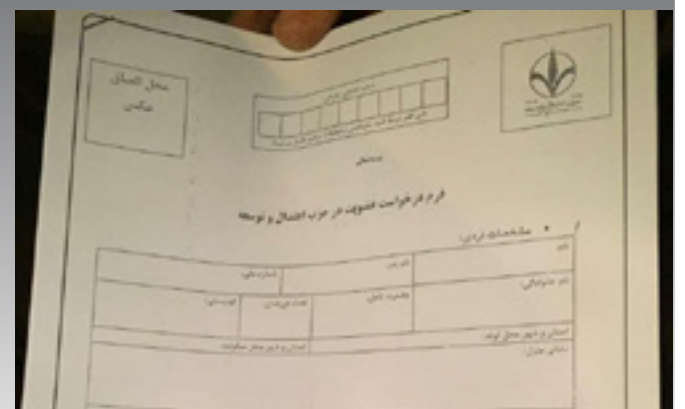
رژیم به طرق نامشروع به خود مشروعیت می‌بخشد

همزمان رژیم اعلام کرده است: «هرکسی عضو این حزب نشود، از این سیستم میوه خشک کن بی‌بهره خواهد شد».

سیستمی که رژیم به مردم می‌دهد، قیمتی بالغ بر ۱۵ میلیون تومان قیمت دارد.

اینک در شهرستان «نقده»، رژیم این فرجا را منتشر کرده است.

رژیم از این طریق در صدد است تا مردم را تحت فرمان خود گیرد و همزمان با نبود فرصت شغلی در کوردستان، از وضعیت موجود سواستفاده کند و ملت کوردستان و بویژه جوانان را به سوی خود سوق دهد.



سایت کوردستان میدیا، رژیم ایران از طریق فرمانداری‌های خود در کوردستان ایران، فرمی را به شوراها داده که باید عضو حزب «اعتدال و توسعه» که خود رژیم موسس آن است؛ دربیابند.

رژیم اسلامی ایران در تازه‌ترین تلاش خود برای تحت فرمان قرار دادن مردم، با انتشار فرمی از آنان می‌خواهد که عضو حزب «اعتدال و توسعه» شوند. براساس گزارش رسیده به وب